

روزنامه شرق، شماره 1521 به تاریخ 91/2/17، صفحه 9 (جهان)

انتخابات ریاست جمهوری کشور فرانسه در 22 آوریل برگزار شد و هیچ یک از دو نامزد اصلی، فرانسوا اولاند و نیکولا سارکوزی نتوانستند از سد 50 درصدی حد نصاب لازم برای تسخیر الیزه بگذرند. اینک و با نزدیک شدن به دور دوم انتخابات دو نامزد نهایی برای تصدی این مقام، موضوع اصلی در این کشور چرخش و جهت گیری آرای طرفداران نامزدهای حذف شده و تلاش دو نامزد نهایی برای جذب بیشینه این آراست. نتایج به دست آمده- که کسب کمتر از 30 درصد آرا توسط هر یک از دو نامزد راه یافته به دور دوم بود - این دو مرد 57 ساله را به تکاپو واداشته است. هر چند در اغلب نظرسنجی ها اولاند بین 5 تا 8 درصد از رقبیش پیش است (54 درصد اولاند و 46 درصد سارکوزی) ولی این درصد اندک به هیچ عنوان برای ایجاد یک حاشیه امن و فاصله اطمینان بخش جهت تضمین تصدی پست ریاست جمهوری توسط او کافی نمی نماید. در این بین مهره سومی به شطرنج انتخاباتی افزوده شده تا این آشفته بازار را پیچیده تر و غیرقابل پیش بینی تر کند و آن عبارت از پیروزی چشمگیر جریان راست افراطی موسوم به جبهه ملی است. مارین لوپن پدیده اصلی این کارزار بود که توانست حدود 18 درصد از آرا را از آن خود کند - که دو برابر سطح قبلی 10 درصدی بود که پدرش در سال 2007 در رویارویی با سارکوزی به دست آورده بود - تا بتواند شگفتی ساز دور اول و سرنوشت ساز دور نهایی این انتخابات باشد. او آشکارا با برنامه های کنونی جذب مهاجر، سیاست های تعیین شده از بروکسل، ترتیبات مالی و پولی یورو و سازوکارهای اروپا- محور مخالفت می کند و نسبت به آنچه آن را اسلامی شدن فرانسه می خواند، ترس آفرینی می کند.

جهت گیری آرای نامزدهای حذف شده:

با حذف نامزدهای دهگانه و راهیابی دو نامزد به مرحله نهایی، اولاند و سارکوزی، به ماراتون دو نفره خود خیز و شتاب فزون تری بخشیده اند تا بتوانند هرچه بیشتر آرای دیگر نامزدها را از آن خود کنند. هرچند سخن راندن از خط کشی دقیق و مشخص کردن میزان جذب و چرخش آرای سه نامزد حذف شده ولی تعیین کننده یعنی مارین لوپن (راست افراطی)، ژان لوک ملانشون (چپ افراطی) و فرانسوا بایرو (طیف میانه) سخنی به گزافه خواهد بود ولی بر اساس نظرسنجی ها و تحلیل های کارشناسان، آرای حامیان این سه به احتمال زیاد به ترتیب زیر به سمت و سوی دو نامزد نهایی (اولاند و سارکوزی) گرایش پیدا خواهد کرد:

1- «مارین لوپن»؛ دختر کو ندارد نشان از پدر

دختر ژان مارن لوپن و حزب تحت رهبریش بر این باورند که فرانسه باید به حضور خود در منطقه یورو پایان دهد، کنترل بر مرزهای خود را افزایش دهد، با مهاجرت های غیرقانونی برخورد قاطعانه ای داشته باشد و از اسلامی شدن

فرانسه جلوگیری به عمل آورد. به طور کلی بیگانه ستیزی و سیاست های ضد مهاجرتی و ضد اروپایی از ویژگی های بارز جبهه ملی است و لوپن با استفاده از این شعارها و رویکردها توانست 18 درصد آرا معادل شش میلیون رای - بالاترین میزان رای در تاریخ این حزب - را به خود جلب کند. رشد پایگاه مردمی راست افراطی در سطحی وسیع تر، نشان دهنده پیشرفت توده گرایان ضد اروپا از آمستردام گرفته تا وین، هلسینکی و آتن است که در بحبوحه بحران بدهی و سیاست های ریاضتی خشم مردم این کشورها را از کاهش بودجه های عمومی و برنامه های حمایتی دولت ها و افزایش بیکاری برانگیخته است. به باور برخی سه عامل مهاجرت و بیگانه

ستیزی، اسلام هراسی و امنیت در کنار خشم از سیاست های اقتصادی سارکوزی در افزایش اقبال عمومی به لوپن 43 ساله موثر بوده است. در اینجا نباید از نظر دور داشت که جبهه ملی یک جریان توده گرا بوده و ممکن است در این کشور که دارای بنیان های قوی و سنت ساختارمند دموکراتیک است، بسیاری از آرای آن ریزش کند و همانند دوران پدرش که کل جامعه علیه جبهه ملی بسیج شدند از قدرت یابی مجدد آن احساس نگرانی بشود. در این میان، سارکوزی برای آنکه در دوم انتخابات پیروز میدان شود به این آرا نیاز مبرمی خواهد داشت و تلاش فراوانی به خرج می دهد تا آرای راستگرایان افراطی را به دست آورد و از همین رو است که وعده کرده که سیاست های سختگیرانه تری درباره مهاجرت، امنیت و مرزها در پیش می گیرد و اولاند هم به نوبه خود درصدد برآمده تا بر بحران منطقه اروپا و وضعیت اقتصادی تمرکز کند. نتایج نظرسنجی ها نشان می دهد بین 40 تا

60 درصد از افرادی که به مارین لوپن رای داده اند به احتمال زیاد به نیکولاسارکوزی رای خواهند داد و 17 تا 20 درصد نیز به اولاند رای می دهند. ولی نیکولاسارکوزی هرگونه توافقی با «مارین لوپن» رهبر حزب جبهه ملی را برای بالابردن شانس خود در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در روز 17 اردیبهشت رد کرده همچنانکه متقابلاً لوپن نیز به طور آشکار با آرا و سیاست های سارکوزی مخالفت کرده و از هوادارانش خواسته به او رای ندهند. این درحالی است که تحلیلگران بر این باورند سارکوزی برای پیروزی در دور دوم انتخابات باید دست کم سه چهارم از آرای حامیان لوپن و دو سوم از آرای هواداران «فرانسوا بایرو» را کسب کند.

2-ژان لوک ملانشون؛ چپ های فرانسه متحد شوید

ملانشون نامزد جبهه چپ شامل گروه های افراطی چپگرا و حزب کمونیست است. او سخن از «انقلاب شهروندمحور» به زبان آورده و از هوادارانش خواسته است تا برای شکست سارکوزی به طور گسترده در انتخابات حضور به هم رسانند. در عین حال او از ذکر نام اولاند نیز امتناع کرده است. باور بر این است که بخش عمده آرای 11 درصدی طرفداران ملانشون به اولاند گرایش خواهد داشت.

3-فرانسوا بایرو؛ میانه روی مردد

وی از جنبش دموکراتیک نامزد شده است که خودش در سال 2007 تاسیس کرده است. این کاندیدای طیف میانه نیز، با رای

بیش از 9 درصدی خود می تواند نقش تعیین کننده ای در انتخاب رییس جمهور بعدی داشته باشد. آرا و افکار وی به طور عام به سمت اولاند گرایش خواهد داشت هرچند به طور علنی به حمایت از او نپرداخته است. او از برنامه ها و شعارهای سارکوزی در استفاده فرصت طلبانه از مشی و رویکردهای ضد مهاجرتی جبهه ملی به سختی انتقاد کرده است.

اوا ژولی، باتوی سبز

مادام ژولی از جریانات طرفدار محیط زیست (یوروپ اکولوژی) است که در دور اول، با کسب بیش از 2 درصد آرا پس

از اولاند، سارکوزی، لوپن، ملانشون و بایرو در جایگاه ششم قرار گرفته و اعلام کرده است که به منظور خارج کردن سارکوزی از قدرت، از اولاند حمایت می کند. به نظر می رسد بخش عمده این آرای هرچند ناچیز ولی دارای اهمیت (کمی بیش از 800 هزار نفر)، به سوی اولاند روانه خواهد شد و این میزان اندک رای، می تواند در این کارزار که فاصله آرا بسیار نزدیک است، تاثیرگذار باشد. به طور کلی اغلب نظرسنجی ها حکایت از آن دارد که اولاند با یک فاصله

شش تا 10 درصدی برنده انتخابات خواهد شد. انتظار می رود او اکثریت بالایی از آرای راست افراطی و میزان قابل توجهی از آرای طیف میانه را به دست آورد.

تفاوت های اولاند با سارکوزی

1- اقتصاد

اقتصاد، از مهم ترین محورهای انتخابات فرانسه است و بیشترین تاثیر را روی آرای می گذارد. یکی از دلایل پایین آمدن محبوبیت سارکوزی محقق نشدن وعده هایش برای بهبود برنامه اقتصادی بود. اولاند در زمینه مسایل اقتصادی معتقد به اصولی است که همیشه سوسیالیست ها به آن پایبند بوده اند که حول محور عدالت اجتماعی بیشتر است. کاهش اندک هزینه های عمومی، کمک به ایجاد مشاغل با حمایت مالی دولت و افزایش 75 درصدی مالیات بر ثروتمندان دارای درآمد بیش از یک میلیون یورو از ملاحظات عمده اولاند در رابطه با اقتصاد کشور است. با توجه به اینکه بحران اقتصادی منطقه یورو از طریق افزایش شدید کسری بودجه، نرخ بالای بیکاری (بیش از 10 درصد)، سیاست حمایت از تولیدات داخلی در اروپا و عدالت مالیاتی، مبارزات انتخاباتی را تحت الشعاع قرار داده، فرانسوا اولاند خط مشی خود را با در نظر گرفتن این شرایط ترسیم کرده و اشتغال جوانان و رشد اقتصادی را اولویت های خود قرار داده است. به صورت کلی سیاست های اولاند بر مبنای برقراری عدالت اجتماعی بیشتر متمرکز خواهد بود. وی وعده داده است در صورت پیروزی، پیمان سازوکارهای بودجه ای اروپا را – که توسط سارکوزی به امضا رسیده - مورد بازنگری قرار خواهد داد. این امر منجر به ایجاد تنش هایی با آلمان و شخص مرکل خواهد شد که این پیمان را شرط کمک مالی بیشتر به کشورهای بحران زده اروپایی قرار داده است و برخی از آن به عنوان پایان عصر مرکوزی (اتحاد مرکل و سارکوزی) نام می برند. با این حال، تحلیلگران اقتصادی می گویند که این دو نامزد احتمالاً ناچار خواهند شد تدابیر اقتصادی شدیدتری از آنچه که در مبارزات انتخابات وعده کرده اند، در پیش بگیرند.

2- سیاست خارجی

به صورت کلی می توان گفت در زمینه جهت گیری سیاست خارجی اختلاف زیادی در مواضع دو کاندیدا وجود ندارد. مع هذا،

سارکوزی در زمینه سیاست خارجی دست به ماجراجویی هایی می زد و به دنبال این بود که در مسایل بین المللی خودش را مطرح کند. اگر اولاند رییس جمهور فرانسه شود احتمالاً این تحرکات در سیاست خارجی فرانسه کمتر شده و توجه او بیشتر معطوف به مسایل داخلی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور خواهد شد.

3- ایران

در ارتباط با تعامل با ایران و سوریه، اولاند از موضع کنونی دولت فرانسه حمایت می کند. او ضمن جانبداری از سیاست آمریکا در حمایت از اپوزیسیون سوریه، در رابطه با ایران و برنامه هسته ای آن نیز با کاخ سفید دارای همفکری و همراهی بالایی است. با این وجود، ائتلاف و همکاری با واشنگتن با عمق و شدت کمتری نسبت به قبل دنبال خواهد شد.

4- مهاجران

در زمینه مهاجرت و مهاجران، اولاند به مانند همقطاران خود در حزب سوسیالیست دارای رویکرد ملایم تری بوده و معتقد است باید به مهاجران غیرقانونی مدارک اقامتی اعطا شود و در روند همگرایی کمک مضاعفی به آنان صورت بگیرد و کمتر سخن از اخراج و استرداد آنان به زبان آورد.

5- شخصیت

سارکوزی به جنجال آفرینی، عدم رعایت برخی آداب و ارزش های فرانسوی، ارتباط با افشار برخوردار و ثروتمند و فخرفروشی متهم می شود و فرانسوی ها برخی رفتارهای او را در شان و مقام یک رییس جمهور نمی دانند. هرچند استدلال می شود که رقیب او هم از نعمت شخصیتی گیرا، فره وشی و کاریزماتیک محروم است. با این وجود در مورد سیاست های این دو باید گفت که برنامه های اقتصادی آنها بسیار به یکدیگر نزدیک بوده و در نوع نگرش به پیمان های اروپایی و سیاست خارجی هم تفاوت های محدودی بین این دو وجود دارد.

ملاحظات چند پیرامون انتخابات

- در دور اول، یک نفر از هر سه رای دهنده به طیف های افراطی اعم از چپ یا راست و به عبارتی علیه جریانات و احزاب حاکم و غالب (mainstream) رای دادند؛ چه هر دوی آن طیف ها با اتحادیه اروپا و منطقه اقتصادی یورو و سیاست های مالی

و پولی آن مخالفت دارند. همچنین، یک نفر از هر پنج رای دهنده به راست افراطی رای دادند که این امر بیشتر به دلیل بیکاری و مسایل اقتصادی بود - که تا حدی به حضور مهاجران بازمی گردد - نه به دلایل نژادپرستانه. این گروه ها متشکل از نیروهای

ضد وضع موجود و احزاب توده گرا و ضد ریاضت اقتصادی هستند.

- لوپن با پایگاه رای 18 درصدی در انتخابات پیش رو نقش کلیدی خواهد داشت هرچند کاملاً مشخص نیست که چه درصدی از آرای این جریان توده گرا رای دور دوم تحقق خواهد یافت و چه درصدی از این آرا به سمت هریک از نامزدها روانه خواهد شد. از نظر افشار و توده های محافظه کار فرانسوی، جهانی شدن، مهاجرت و سرعت تحولات و تغییرات اقتصادی و اجتماعی شیوه زندگی فرانسوی را به مخاطره انداخته است و خانم لوپن که دارای مواضع میانه روتری از پدرش (که متهم به یهودستیزی

و نازی ستایی بود) است، می تواند از این نگرانی توده ها و از حزب تضعیف روحیه شده سارکوزی برای انتخابات پارلمانی آینده نهایت بهره برداری را بکند.

- در نظرسنجی های موسساتی از قبیل ایپسوس و ایفوپ کاندیدای سوسیالیست با 52 الی 56 درصد بر سارکوزی پیروز خواهد شد. ولی پیروزی در این انتخابات که آرا با فاصله اندکی پیروز میدان را تعیین خواهد کرد به میزان زیادی به گرایش و چرخش رای های معلق و نامصمم طرفداران جبهه ملی و دیگران بستگی خواهد داشت. در صورتی که اولاند برنده انتخابات باشد به اقلیتی از دولت های دست چپی در اروپا خواهد پیوست و بعد از 17 سال یک رییس جمهور سوسیالیست سرکار خواهد آمد که پس از فرانسوا میتران - که ژیسکاردستن را در سال 1981 شکست داده و تا 1995 در الیزه سکنی گزید - رهبری این کشور را به دست می گیرد. پیش بینی می شود دو نامزد اصلی، رقابت تنگاتنگی داشته باشند و حداکثر اختلاف آرا پنج تا هشت درصد خواهد بود. به نظر می رسد که اولاند با همین اختلاف باریک به پیروزی خواهد رسید. اروپا از نزدیک این مبارزه را پیگیری می کند. پیروزی اولاند یک نقطه عطفی در عرصه سیاسی اروپا خواهد بود که در آن طی یک رویداد نادر در قاره ای که به سمت گروه های دست راستی گرایش پیدا کرده، یک دولت چپگرا زمام امور را به دست می گیرد.

اگر سارکوزی این کارزار را ببازد اولین رییس جمهور در دوران تصدی خواهد بود که در 30 سال اخیر نتوانسته است برای بار دوم مورد اقبال و انتخاب مردم قرار گیرد و یازدهمین رهبر اروپایی خواهد بود که پس از نخست وزیر

هلند در مسلخ بحران اقتصادی و سیاست ریاضتی و بیکاری قربانی می شود. سارکوزی در کارزاری دشوار، به مصاف رقیب سوسیالیست خود می رود تا شاید بتواند حضور خود در کاخ الیزه را به مدت پنج سال دیگر تمدید کند. هر چند زیاد هم از این امر مطمئن نیست و چشم یاری و طمع به آرای یاران لوپن دوخته است. سارکوزی مجبور است بین بازی در طیف میانه و راست، به انتخاب یکی بپردازد. اگر راست را مخاطب قرار دهد میانه را از دست خواهد داد و بالعکس. او برای یک پیروزی مویرگی در این انتخابات نیاز دارد تا سه چهارم آرای طرفداران لوپن و دو سوم آرای بایرو را به دست آورد؛ امری که به میزان زیادی ناممکن می نماید. ادعاهای اخیر مبنی بر اعطای کمک مالی قزافی به سارکوزی در انتخابات سال 2007، بیش از پیش به محبوبیت سارکوزی ضربه زده است. سارکوزی و اولاند در دور دوم انتخابات که در 17 اردیبهشت برگزار خواهد شد، به مصاف یکدیگر خواهند رفت و مناظره تلویزیونی این دو نامزد که در روز دوم می از تلویزیون پخش خواهد شد، نیز در جهت دهی به آرا تاثیر نهایی خود را بجا خواهد گذاشت. اولاند می تواند به آرای طیف های چپگرا و میانه تکیه کند و سارکوزی باید در مورد اینکه از میان طیف راست میانه و راست افراطی کفه نزدیکی اش به سمت کدام یک سنگینی کند، به تصمیم گیری بپردازد.

در این انتخابات حدود 44 میلیون فرانسوی واجد شرایط رای دادن، یکی از این دو مرد را انتخاب می کنند تا برای پنج سال آینده، زمام امور کشوری را بر عهده گیرد که پنجمین اقتصاد، یکی از پنج قدرت عضو باشگاه هسته ای جهان و همچنین عضو دایم شورای امنیت سازمان ملل است و در عین حال یک نفر از هر 10 کارگر آن به خیل بیکاران پیوسته است.



احمد هاشمی مترجم سه زبانه سران سه قوه و کارمند سابق وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، روزنامه نگار، نویسنده و تحلیلگر مسائل سیاسی و بین المللی

Ahmad Hashemi, Former Iranian Foreign Ministry Staff, English, Arabic and Turkish Interpreter, Freelance Journalist

- ❖ E-Mail: ahmadhash@gmail.com
- ❖ Blog: <http://ahmaddhashemi.blogspot.com>
- ❖ Blog: <http://ahmadhashemi.wordpress.com>
- ❖ Twitter: <https://twitter.com/AhmadHashemiMFA>
- ❖ Facebook: <http://www.facebook.com/ahmad.hashemi1356>